١٦٦- ای يار با وفا

حضرت عبدالبهاء

اصلی فارسی



# ١٦٦- ای يار با وفا

ای يار با وفا، همچو گمان مفرما که از يادت آنی فارغم لا و اللّه هر دم با کمال وفا بذکر تو پردازم و از درگاه احديّت آنچه سبب راحت و رستگاری توست طلبم . امّا حکمت بالغه بسيار هر کس مطّلع بر اسرار نه رحمت منبسطه و حکمت کلّيّه الهيّه مقتضياتی دارد که عقول بشريّه از ادراک آن عاجز و قاصر. اگر تنگی و آزرد‌گی و مشقّت متزايد است غم مخور لطف و عنايت حقّ نيز متتابع. چه بسيار که انسان از امری گريزان و بامر ديگر در نهايت آرزو اميدوار عاقبت واضح و آشکار شود که امر مرغوب ضارّ و مضرّ و امر منفور نافع و موافق. پس ره تسليم بپيما و خود را تفويض کن از هيچ محنتی دلتنگ مشو و به هيچ منحتی اميدوار مگرد آنچه خدا خواهد بآن مسرور و راضی باش تاراحت دل و جان يابی و مسرّت قلب و وجدان جوئی . عنقريب اين زحمت و مشقّت بگذرد و راحت جان و مسرّت وجدان حاصل شود.

